

آسیب‌شناسی تربیت شهروندی

نقد برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی دوره‌متوسطه
از دید دبیران مطالعات اجتماعی شهر قم

حسن نجفی

دکترای مطالعات برنامه‌درسی

مفهوم امروزی شهروند به معنای ساکن یا اهل شهر نیست، بلکه اساسی‌ترین بار معنایی‌اش این است که در اداره‌امور عمومی و محل زندگی خود در هر جایی دخالت و مشارکت دارد. می‌توان گفت شهروند شخصی است که درباره‌اجتماع دارای دانش و اطلاعات کافی بوده، نگرش مناسبی نسبت به فضیلت‌های مدنی داشته و به مهارت‌هایی مجهز است که امکان مشارکت او را در امور و فعالیت‌های اجتماعی فراهم می‌کنند. او فردی است که علاوه بر برخورداری از حقوق خاص، دارای وظایف و مسئولیت‌های ویژه‌ای نیز است [فرمپینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۷].

شهروندی

شهروندی را می‌توان پایبند بودن به ارزش‌هایی بر پایه‌حقوق و وظایف دانست که برای همه جنبه‌عام دارد. شهروندی به مدد مجموعه‌حقوق، وظایف، تعهدات و ارزش‌های ناشی از آن، راهی برای توزیع عادلانه‌منابع و زندگی همراه با مشارکت و پویایی فراهم می‌کند. در ضمن، پایبند بودن به ارزش‌های جمعی به معنای فراموش کردن هویت فردی، ارزش‌های شخصی، قواعد و راه و روش‌های زندگی فرد نیست. قبول ارزش‌های عمومی، احترام و عمل به آن‌ها می‌تواند بدون تضاد با ارزش‌های فردی جایگاه خود را داشته باشد. **توسلی و نجاتی حسینی (۱۳۸۳)** هسته‌مشترک تعریف‌های ارائه شده از شهروندی را شامل موارد زیر دانسته‌اند:

اشاره

اگر قوام جامعه را از قوام نظام تعلیم و تربیت متأثر و موکول به آن بدانیم، ساختن و پرداختن انسان‌ها را به گونه‌ای که به وظایف شهروندی ملتزم و متعهد باشند، می‌توان از اصلی‌ترین دستاوردهای آن دانست. چرا که جامعه فاقد فرهنگ شهروندی، مانند موجودی است که نسبت به عارضه‌های تهدیدکننده‌حیات، واکنش به موقع و به اندازه نشان نمی‌دهد. اگر مرگ زود هنگام فرجام چنین موجودی است، زوال زود هنگام هم در کمین چنین جامعه‌ای است. بدین ترتیب و به دور از اغراق باید تربیت شهروندی را ضامن بقا، بالندگی و توسعه جامعه بدانیم [مهرمحمدی، ۱۳۹۶].

چکیده

مقاله حاضر می‌کوشد سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان مطالعات اجتماعی دوره‌متوسطه را به تأمل دعوت کند تا مسائل ملموس تربیت شهروندی مورد نظر دبیران را جدی‌تر بگیرند و برای بهبود کیفیت کنونی آن تلاش کنند.

کلیدواژه‌ها: دوره‌متوسطه، تربیت شهروندی، برنامه‌درسی قصد شده، نقد وضعیت موجود، دیدگاه دبیران

شهروند

شهروند از کلمه «شهر» و پسوند «وند» تشکیل شده است.

پیش تعیین شده و منسجم دارد تا بتواند دانش آموزشی با بینش، گرایش و کنش شهروندی مطلوب (هوشیار، متعهد، حساس و مسئول) تربیت کند. دانش آموزشی که از حقوق و وظایف خود آگاهی کاملی دارند، در اکثر مواقع نسبت به آن حس درونی خوبی پیدا می کنند و بر همین اساس رفتار اجتماعی بهنجاری را از خود نشان می دهند. البته جدا از اشتراکات ثابت، شرایط و پیش فرض های ارزشی که خلوص و درجه مطلوبیت شهروندی را تعیین می کنند، از بومی به بوم دیگر، از کشوری به کشور دیگر، و از دینی به دین دیگر متفاوت خواهند بود.

تربیت شهروندی در ایران و سایر کشورها

نتایج مطالعات تطبیقی پژوهشگر نشان می دهند که در اکثر نظام های آموزشی، تربیت شهروندی در برنامه درسی قصد شده (صریح) در نظر گرفته شده است. برنامه درسی قصد شده شامل هدف ها، سیاست ها، راهبردها و محتوایی است که نهادهای آموزشی آن را علناً اعلام می کنند و سعی دارند یادگیرندگان خویش را براساس یا از طریق آن ها تربیت کنند. این نوع برنامه را در حقیقت می توان تبلور آمل و آرمان های تربیتی یک نهاد آموزشی دانست. مصداق اصلی آن همان اسناد مکتوبی هستند که ما آن ها را کتاب های درسی می نامیم [صفایی موحد، ۱۳۹۴]. در ادامه به برخی سابقه های این نوع برنامه درسی در ایران و سایر کشورها اشاره می کنیم:

«مؤسسه آموزش و رهبری مدرسه های استرالیا»^۱ در سال

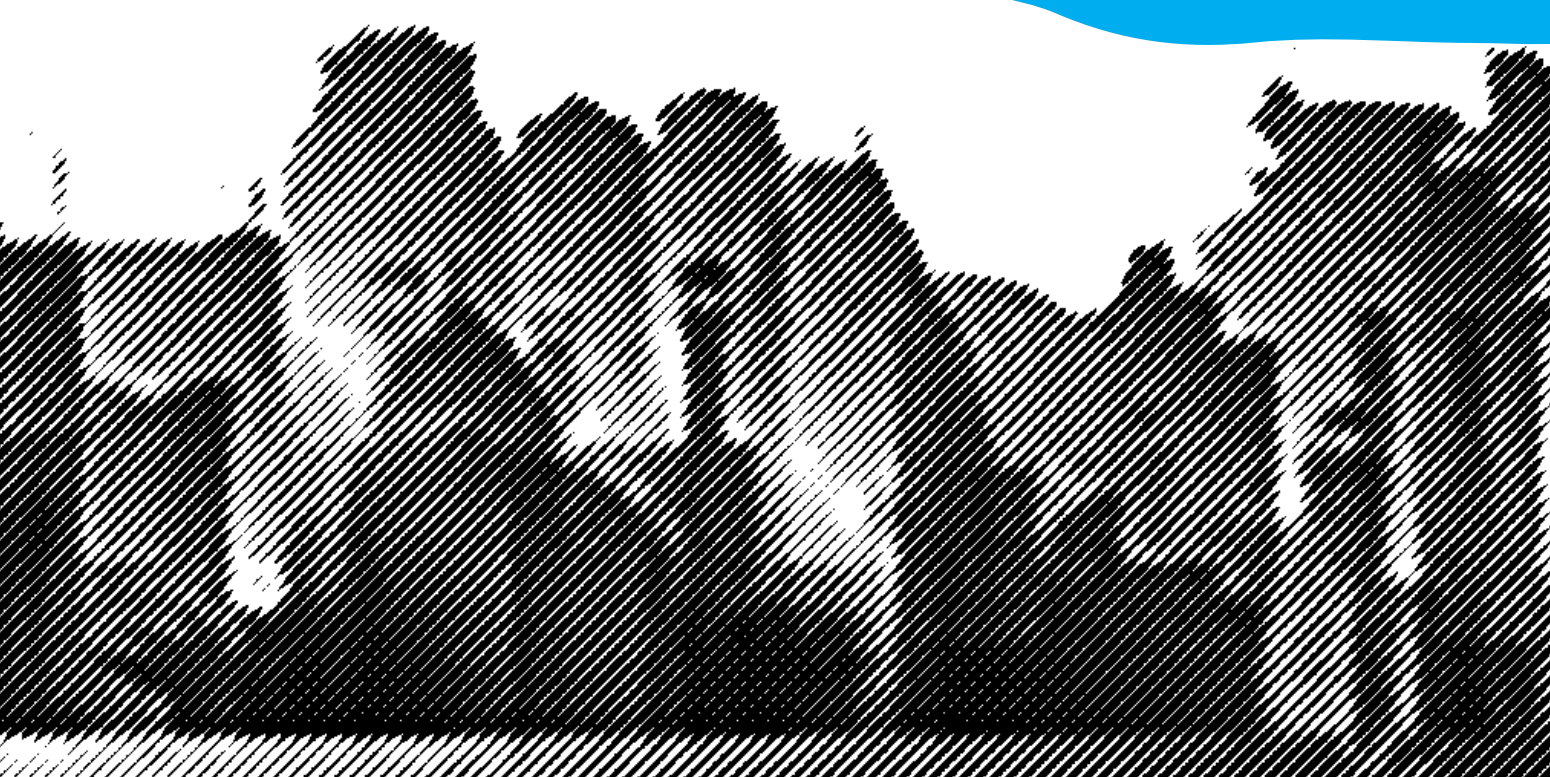
۱. نوعی پایگاه و نقش اجتماعی برای تمامی اعضای جامعه؛
۲. مجموعه به هم پیوسته ای از وظایف، حقوق، مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی به صورت همگانی، برابر و یکسان؛
۳. احساس تعلق و عضویت اجتماعی برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛
۴. برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منافع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی.

تربیت شهروندی

تربیت شهروندی مفهومی متکثر و چندچهره است که مفاهیم اخلاقی، تربیتی، محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در برمی گیرد و در آن از مباحثی همچون مردم سالاری، حقوق، مسئولیت ها، تحمل و بردباری، احترام، برابری و تنوع سخن به میان می آید. در تعریفی جامع می توان گفت که تربیت شهروندی، تربیتی است که به موجب آن مهارت ها، قابلیت ها و توانمندی های شهروندی در افراد توسعه پیدا می کنند و افراد قادر خواهند بود از این طریق وظایف شهروندی خود را به نحو مطلوب انجام دهند و همچنین منشأ اصلاحات مفید در جامعه شوند [کاظمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰].

برنامه درسی تربیت شهروندی

از نظر نویسنده، این نوع برنامه درسی طرحی از



براساس اعلام «شورای ملی تحقیقات آموزشی و یادگیری هند»^۴ (۲۰۰۵)، برنامه‌درسی این کشور برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی مطالعات محیط را در حوزه آموزش‌های شهروندی در نظر گرفته است.

در قانون «وزارت معارف تاجیکستان» (۲۰۰۷) هم از «پرورش شهروندان مصلح» به‌عنوان یکی از وظایف برنامه‌های درسی قصد شده نام برده شده است.

وزارت آموزش و پرورش فرانسه در سال ۲۰۱۲ یکی از هدف‌های مهم آموزش و پرورش این کشور را آموزش و کسب مهارت‌های اجتماعی و شهروندی بر می‌شمرد که باید از طریق فعالیت‌های تحصیلی در مدارس فراهم آید.

وزارت آموزش و پرورش ایتالیا در سال ۲۰۱۲ تأکید می‌کند که برنامه‌درسی این کشور باید کمک کند تا روش‌های شهروندی فعال و سواد اجتماعی و فرهنگی در دانش‌آموزان ارتقا یابد.

«دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت یونسکو» در گزارش سال ۲۰۱۲ خود درباره نظام آموزشی «سوئد» چنین می‌نویسد: اساس تعلیم و تربیت این کشور مبتنی بر بنیان‌های جامعه دموکراتیک است و انتقال دانش‌ها و ارزش‌ها در مدرسه مطابق با بافت بومی، زبان، تجربه‌ها و معلومات قبلی دانش‌آموز انجام می‌گیرد.

در ایران هم تربیت شهروندی ریشه در «سند تحول بنیادین

۲۰۰۹ تربیت شهروندان فعال و بااطلاع را یکی از هدف‌های مهم در سطوح ملی و محلی کشور استرالیا نام برده است.

در آمریکا نیز تربیت شهروندی یکی از مهم‌ترین وظایف نظام آموزشی همه ایالت‌ها در نظر گرفته شده است و از راه‌های گوناگون برای تحقق آن تلاش می‌شود [یونسکو، ۲۰۱۲].

نظام آموزشی ژاپن هم در سال ۱۹۶۶ سندی به نام «تصویر فرد کامل و ایده‌آل ژاپنی» منتشر کرد که در آن ویژگی‌های شهروند ژاپنی به‌عنوان یک فرد، عضو یک خانواده، عضو یک جامعه و به‌عنوان یک تبعه ژاپن و یک فرد متعهد در جامعه جهانی ذکر شده است [آقازاده، ۱۳۸۵].

در برنامه درسی مدرسه‌های کره جنوبی (۲۰۰۹) هم از پرورش شهروندان دموکراتیک که در آینده قادر به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی باشند، به‌عنوان یکی از هدف‌های مهم یاد شده است.

آموزش و پرورش انگلستان^۲ در سال ۲۰۰۴ گزارش می‌دهد که در این کشور از سال ۲۰۰۰ برنامه ویژه‌ای برای آموزش شهروندی آغاز شده است. این برنامه بر سه موضوع مجزا و در عین حال مرتبط با هم در حیطه آموزش شهروندی تأکید می‌کرد. این موضوع‌ها عبارت‌اند از: پرورش مسئولیت اخلاقی و اجتماعی؛ مشارکت و درگیر شدن در امور اجتماعی؛ کسب سواد سیاسی.

در ایران هم تربیت شهروندی
ریشه در «سند تحول بنیادین
آموزش و پرورش» (۱۳۹۰) دارد
و براساس مبانی نظری آن،
تربیت شهروندی به‌دنبال پرورش
شهروندان مسئول، آگاه، مؤمن و
متعهد است

آموزش و پرورش» (۱۳۹۰) دارد و براساس مبانی نظری آن، تربیت شهروندی به دنبال پرورش شهروندان مسئول، آگاه، مؤمن و متعهد است.

روش‌شناسی

این مطالعه پژوهشی کیفی از نوع مصاحبه پژوهشی است که جامعه آماری آن شامل دبیران درس مطالعات اجتماعی دوره متوسطه شهر قم (نواحی چهارگانه آموزشی) بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (غیرتصادفی) تعداد ۲۵ نفر از آنان (۱۰ زن و ۱۵ مرد) به عنوان نمونه انتخاب شدند. دیدگاه‌های دبیران پیرامون شناسایی آسیب‌ها و چالش‌های برنامه درسی قصد شده تربیت شهروندی در دوره متوسطه از طریق مصاحبه عمیق و به صورت نیمه‌ساختاریافته به دست آمد. سؤال مطرح شده در این مصاحبه‌ها در یک بعد کلی و باز مطرح شد و آن عبارت بود از اینکه: «برنامه درسی قصد شده تربیت شهروندی در دوره متوسطه دارای چه چالش‌ها و آسیب‌هایی است؟»

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل محتوای کیفی

متن مصاحبه با توجه به پنج مرحله پیشنهادی گرانهایم و لاندمن^۴ (۲۰۰۴) و نیز کدگذاری سه‌گانه اشتراوس و کربین^۵ (۱۹۹۰) استفاده شد. همچنین به منظور دستیابی به اعتبار سؤال، مصاحبه بر اساس هدف پژوهش طراحی شد و برای حصول اطمینان از قابلیت اعتمادپذیری داده‌ها، از تکنیک‌های پیشنهادی می‌کات و مورهوس^۶ (۲۰۰۲) (بازرسی مجدد مسیر کسب اطلاعات، بازنگری ناظران، واریسی از طریق شرکت‌کنندگان در تحقیق و کنترل اعضا) بهره گرفته شد. دقت و امانت‌داری پژوهشگران نیز به قابلیت اعتماد افزود.

یافته‌ها

نتایج تحلیل و طبقه‌بندی مصاحبه‌ها نشانگر آن بود که از نظر دبیران مطالعات اجتماعی، چالش‌ها و آسیب‌های برنامه درسی قصد شده تربیت شهروندی در دوره متوسطه را می‌توان در ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی طبقه‌بندی کرد. با توجه به محدودیت حجم مقاله، در ادامه فقط به ذکر کدهای گزینشی مرتبط با ابعاد پنج‌گانه اشاره می‌شود.

ضعف در هدایت دانش‌آموزان به سمت تقویت انسجام اجتماعی، پرورش ندادن روحیه احترام به قانون و الزام به رعایت آن، توجه نکردن به پرورش روحیه امر به معروف و نهی از منکر در دانش‌آموزان، آموزش ندادن تحمل آرای مخالف دیگران، کم‌توجهی به ارزش‌های اجتماعی، عدم فراهم‌سازی فضا برای کارهای تیمی، کم‌توجهی به آموزش همدلی و همدردی و درک دیگران به ویژه در لحظات دشوار، ضعف در پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی	اجتماعی
فقدان آموزش مطلوب مردم‌سالاری دینی، ضعف در معرفی مبانی حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران، نبود آموزش مطلوب جغرافیای سیاسی ایران، کم‌توجهی به مسئله امنیت اجتماعی دانش‌آموزان، کم‌توجهی به آموزش راه‌های متفاوت مشارکت سیاسی، کم‌توجهی به رفع نگاه‌های قوم‌گرایانه، عدم معرفی نکردن سازمان‌های جهانی، ضعف در پرورش حس وطن‌دوستی و ملی‌گرایی، ضعف در آموزش صلح و زیست مسالمت‌آمیز، فقدان آموزش ایستادگی دانش‌آموزان در برابر رواج و نشر شایعه و شبهات سیاسی	سیاسی
ضعف در آشنا ساختن دانش‌آموزان با اولویت‌بندی در خرید، هدایت نکردن دانش‌آموزان به سوی ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف، ضعف در شناساندن جایگاه دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل در توسعه اقتصادی، کم‌توجهی به آموزش راه‌های مشارکت اقتصادی، ضعف در آموزش کارآفرینی، بی‌توجهی به آموزش پس‌انداز کردن، بی‌توجهی به آموزش نحوه مدیریت زمان، ضعف در آموزش مقابله با راحت‌طلبی، بی‌توجهی به آموزش تعهدمندی نسبت به وظایف شغلی آینده	اقتصادی
کم‌توجهی به پرورش روحیه حفظ و حراست از دستاوردهای گذشتگان، ضعف در آشنایی دانش‌آموزان با اعیاد ملی مذهبی، کم‌لطفی به فرهنگ استفاده از وسایل جمعی و عمومی، فقدان آموزش لازم در مورد رسوم منحنط و خرافاتی، آماده نساختن دانش‌آموزان برای مقابله با تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های پایه، کم‌توجهی به نقش دانش‌آموزان در احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی، ضعف در معرفی مفاخر فرهنگی کشور، ضعف در انتقال اهمیت زبان رسمی کشور	فرهنگی
ضعف در تشخیص ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی و کم‌توجهی به آموزش صفات و رفتارهای اخلاقی از جمله: امانت‌داری، عدالت‌مندی، آراستگی، هماهنگی بین گفتار و رفتار، پرهیز از نجوا، از خودگذشتگی، عیب‌پوشی، صلح‌رحم، بردباری، میانه‌روی، وفای به عهد، احسان، حسن خلق، صداقت، حجاب، فروتنی، نوع‌دوستی، آمادگی پذیرش عذر تقصیر و محاسبه نفس	اخلاقی

نتیجه‌گیری

... پیشنهاد نویسنده به فیلسوفان، جامعه‌شناسان، سیاست‌گذاران و سامان‌دهندگان و همه کنشگران نظام آموزش متوسطه است تا برنامه‌ی درسی موجود مطالعات اجتماعی در چرخشی راهبردی به سوی «برنامه‌ی درسی شهروندپرور» حرکت کند. با این حال، تجربه نشان می‌دهد که رسیدن به چنین امری آن‌گونه نیست که بتوان در مدت بسیار کوتاهی وضعیت تثبیت شده را تغییر داد یا در آن تحول ایجاد کرد. لذا ایجاد تحول در این حوزه تربیتی به برنامه‌ریزی بلندمدت و دقیق نیاز دارد.

شاید نتوان در زمانی کوتاه سلطه‌ی رویکردها و رهیافت‌های نظری مطالعات اجتماعی بر فضای ذهنی برنامه‌ریزان و مؤلفان را از بین برد، اما می‌توان اقداماتی انجام داد که به شهروندپرور شدن برنامه‌ی درسی یاری رساند. برای مثال، می‌توان هسته‌های علمی مجزایی را در گروه‌های آموزش علوم اجتماعی سراسر کشور تشکیل داد که اعضای آن را پژوهشگرانی تشکیل می‌دهند که اولاً به این رویکرد معتقدند و ثانیاً تخصص لازم را دارا هستند.

به نظر می‌رسد برنامه‌ی درسی قصد شده‌ی دوره‌ی متوسطه باید طوری طراحی شود که دانش‌آموزان را برای ایفای نقش شهروندی مطلوب و فعال در جامعه یاری دهد. به‌گونه‌ای که در عین تأثیرپذیری از جامعه، خود نیز عاملی برای تغییرات اجتماعی بر مدار «دین»، «عقلانیت»، «علم» و «اخلاق» باشند. در این راستا، یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که دبیران مصاحبه‌شونده اعتقاد دارند: توجه به تربیت شهروندی و ارتقای دانشی، گرایشی و مهارتی آن یکی از ضرورت‌های تربیتی نظام آموزش متوسطه به شمار می‌آید و سرمایه‌گذاری در طراحی برنامه‌های درسی تربیت شهروندی مطلوب و همچنین اصلاح برنامه‌های درسی موجود در این راستا، از اهمیت غیرقابل انکاری برخوردار است.

توجه به نقدهای دبیران و اعمال آن‌ها در عناصر متفاوت، از جمله هدف‌ها، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری، ارزشیابی و

14. Ministry of Education, University and Research (2012). *Indicazioni Nazionali per il Curricolo della Scuola dell'infanzia e del Primo Ciclo di istruzione*. [National Guidelines for the Curriculum of the Pre-Primary School and the First Cycle of School Education]. Rome.

15. National Council of Educational Research and Training (2005). *Syllabus for classes at the elementary level*.

16. Strauss, Anselm L., & Corbin Juliet (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Sage.

17. UNESCO-IBE(2012). *World Data on Education: Education in Sweden*. Seventh edition. Geneva: International Bureau of Education.

18. UNESCO-IBE(2012). *World Data on Education: Education in United State of America*. Seventh edition. Geneva: International Bureau of Education.

۶. قانون وزارت معارف جمهوری تاجیکستان

(۲۰۰۷). کتابخانه‌ی دانشگاه صدرالدین عینی.

۷. کاظمی، محمود؛ صفایی، مسعود؛ پاک‌سرشت، محمد؛ مرعشی، منصور (۱۳۸۶). بررسی اصول اساسی تربیت مدنی با رویکرد اسلامی. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*. شماره ۱۵.

۸. مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۶). *سخن رئیس انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران*. منتشر شده در چکیده‌ی مقالات همایش تربیت شهروندی، چابست، چرایی و چگونگی. دانشگاه فرهنگیان زنجان.

9. Education Departments of the United Kingdom (2004). *Education strategies in United Kingdom*.

10. Graneheim UH, Lundman B(2004). Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Journal of Nurse education today*. 24(2): 105-112.

11. Maykut, P, Morehouse, R(2002). *Beginning Qualitative Research: A Philosophical and Practical Guide*. London: Falmer.

12. Ministry of Education, Science and Technology of the Republic of Korea(2009). *The School Curriculum of the Republic of Korea*.

13. Ministere Education Nationale (2012). *L'enseignement scolaire en France*.

پی‌نوشت‌ها

1. Australian Institute for Teaching and School Leadership
2. Education Departments of the United Kingdom
3. National Council of Educational Research and Training
4. Graneheim & Lundmen
5. Strauss & Corbin
6. Maykut & Morehouse

منابع

۱. آقازاده، احمد (۱۳۸۵). «اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این‌گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن». *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*. شماره ۵.
۲. توسلی، غلام‌عباس و نجاتی‌حسینی، محمود (۱۳۸۳). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران». *فصلنامه جامعه‌شناسی ایران*. شماره ۵.
۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش. تهران.
۴. صفایی‌موحد، سعید (۱۳۹۴). *برنامه‌ی درسی صریح (قصد شده)*. منتشر شده در دانشنامه‌ی ایرانی برنامه‌ی درسی. انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران. تهران.
۵. فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). *تربیت شهروندی*. آیت. تهران.